

Analysis of the speech of male and female characters in the story of the kingdom of Goshtasp based on the speech theory of John Searle

mah manzar Mollai^۱, Kimia Tajnia^۲ (Responsible author), Nemat Esfahani Omran^۳

Abstract

Dialogue is one of the most important tricks in the field of fiction and the author in the present research in a descriptive-analytical and library method, with the aim of explaining the speech of male and female characters in the story of Goshtasp's kingdom in Shahnameh based on the theory of speech action Philosophy of language and mind seeks to clarify the fact that the male and female characters of the story of the kingdom of Goshtasp, when speaking in terms of their position and the audience, what speech action and for what purpose? In John Searle's theory of speech action, speech is divided into five declarative, persuasive, emotional, obligatory and declarative actions, which according to the aspect of the verb used in speech and how to use alternatives, indicators, as well as direct and indirect application of action. The speaker's ability to influence the audience can be measured. According to this theory, news sentences are not only the main and meaningful sentences of the language and the value of truth and falsity of all sentences is not possible; Because Ferdowsi's purpose in expressing action sentences is to describe his action, not to describe a situation. The results of this study indicate that women in the story of Goshtasp, due to lack of power, use more persuasive speech actions and the expressive and emotional actions used are more in line with persuasion of the audience than In this way, they indirectly persuade others (especially men and husbands) to achieve their desires. Also, declarative and commitment actions that require the direct action of the individual are less used.

Keywords: Goshtasp Kingdom, Shahnameh, Speech Action, John Searle, Male-Female Conversation.

^۱ - PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran - Email: mollai۱۳۹۹@yahoo.com

^۲ -Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran - Email: Kimia.tajnia@yahoo.com

^۳ -Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran - Email: dr.esfahaniomran۲۰۱۸@gmail.com

Sources and references

Book

- ۱- Tajrakh Shokralahi, Assadollah, (۲۰۰۹/۱۳۸۸sh), Semantics from the point of view of Katherine Kerbat-Orkioni, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- ۲- Chamin, Shivan, (۲۰۰۵/۱۳۸۴sh), From Philosophy to Linguistics, translated by Hossein Safi, Tehran: Gam No.
- ۳- Khaleghi Motlagh, Jalal, (۲۰۰۹/۱۳۸۸sh), Shahnameh of Abolghasem Ferdowsi, Tehran: The Center of the Great Islamic Encyclopedia.
- ۴- Searle, John. Ar, (۲۰۰۶/۱۳۹۲sh), Speech Verbs, Research in the Philosophy of Language, translated by Mohammad Ali Abdollahi, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.

articles

- ۱- Pahlavannejad, Mohammad Reza, Rajabzad, Mehdi, (۲۰۱۰/۱۳۸۹sh), Textual analysis of the pilgrimage of Imam Reza (as) based on the theory of speech action, Journal of Islamic Studies of Philosophy and Theology, Volume ۴۲, Number ۸۵, ۸۵, pp. ۳۷-۵۴.
- ۲- Jalali, Maryam, (۲۰۱۴/۱۳۹۳sh), "Levels of women's speech in Garshasnameh in terms of theory", Literary and Rhetorical Research, Vol. ۸, pp. ۲۰-۳۱.
- ۳- Jaleh Bakhtiari, Parsa Yaghoubi, (۲۰۱۲/۱۳۹۲sh), "Rumi's Speech Actions in the First and Second Books of the Spiritual Masnavi", Faculty of Humanities. The University of Kordestan.
- ۴- Abdollahi, Leila and Sheibani Aghdam, Ashraf, (۲۰۱۳/۱۳۹۲sh), "Study of theological actions and narrative events in the secrets of monotheism", M.Sc. Thesis, Faculty of Humanities, Tehran.
- ۵- Karimi Kiwi, Jaleh and Ashraf Sheibani Aghdam, (۲۰۱۳/۱۳۹۲sh), "Proverbs and the Function of Speech Actions in Saeb Tabrizi's Lyric Poems", M.Sc. Thesis, Faculty of Humanities, Tehran.

فصل‌نامه علمی جستارنامه ادبیات تطبیقی

سال پنجم، شماره هفدهم، پاییز ۱۴۰۰

تحلیل گفتار شخصیت‌های زن و مرد در داستان پادشاهی گشتاسپ

بر اساس نظریه گفتار جان سرل

ماه منظر ملایی^۱، کیمیا تاج نیا^۲ (نویسنده مسئول)، نعمت اصفهانی عمران^۳

چکیده

گفت‌وگو از مهم‌ترین شگردها در حوزه ادبیات داستانی به شمار می‌رود و نویسنده در پژوهش پیش رو به شیوه توصیفی - تحلیلی و روش کتابخانه‌ای، با هدف تبیین گفتار شخصیت‌های زن و مرد در داستان پادشاهی گشتاسپ در شاهنامه بر اساس نظریه کنش گفتار جان سرل، نظریه پرداز معاصر فلسفه زبان و ذهن، درصدد روشن نمودن این مطلب است که شخصیت‌های زن و مرد داستان پادشاهی گشتاسپ، هنگام گفتگو با توجه به جایگاه خود و مخاطب از کدام کنش گفتاری و به چه منظوری استفاده کرده‌اند؟ در نظریه کنش گفتار جان سرل، کلام به پنج کنش اظهاری، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی تقسیم می‌شود که با توجه به وجه فعل به کار رفته در کلام و نیز نحوه استفاده از جایگزین، شاخصها و هم‌چنین کاربرد مستقیم و غیرمستقیم کنش‌ها می‌توان، توانایی گوینده را بر تأثیرگذاری بر مخاطب سنجید. بر اساس این نظریه، جملات خبری تنها جملات اصلی و معنی‌دار زبان نمی‌باشد و ارزش صدق و کذب همه جملات ممکن نیست؛ زیرا هدف فردوسی از بیان جملات کنشی، توصیف عمل خود است نه توصیف یک وضعیت. نتایج حاصل از این پژوهش، حاکی از آن است که زنان در داستان گشتاسپ به دلیل نداشتن قدرت، بیشتر از کنش‌های گفتاری ترغیبی استفاده می‌کنند و کنش‌های اظهاری و عاطفی به کار برده شده نیز بیشتر در راستای ترغیب مخاطب هستند تا بدین‌وسیله به گونه غیرمستقیم، دیگران را برای رسیدن به خواسته‌های خود، ترغیب و تشویق کنند. هم‌چنین، از کنش‌های اعلامی و تعهدی که نیاز به کنشگری مستقیم فرد دارد، کمتر استفاده شده است.

واژگان کلیدی: پادشاهی گشتاسپ، شاهنامه، کنش گفتار، جان سرل، گفتگوی زن و مرد.

۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران - molilai1349@yahoo.com

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران - Kimia.tajnia@yahoo.com

۳- ستادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران -

dr.esfahaniomran2018@gmail.com

۱-مقدمه

شاهنامه از متون مهم زبان فارسی است. شاهنامه فردوسی کتابی در گونه حماسی است که شامل داستان‌های اسطوره‌های و تاریخی می‌باشد و اثری یکدست و یک روح است. گویای حماسه قومی که در زندگی و مسیر حیات خود، اوج و فرودهایی داشته است و شامل داستان‌های مختلف که توسط شخصیت‌های گوناگون زن و مرد صورت می‌پذیرد. در ضمن بیان داستان، گفتارهای فراوانی بین این شخصیت‌ها صورت می‌گیرد. شخصیت‌های زن و مرد شاهنامه، در جایگاه پدر، همسر، پسر، شاهزاده، پهلوان، مادر، دختر، ملکه، پادشاه، ایفای نقش کرده‌اند که گاهی شخصیت زن شاهنامه، تبدیل به نقش پهلوانی نیز می‌شود، چنانکه در جریان لشکرکشی سهراب به ایران، گردآفرید با چنین نقشی در برابر او قرار گرفت و گفت‌وگوهایی بین آن دو رد و بدل گردید، برخی از گفت‌وگوهای بین شخصیت‌های زن و مرد شاهنامه عبارتند از گفتگوی زال و رودابه، کیکووس و سودابه، تهمینه و رستم، گرد آفرید و سهراب، بیژن و منیژه، سیندخت و مهراب، مهراب و رودابه، جریر و فرود، تهمینه و سهراب، فرانک و... موضوعی که در این مجموعه مد نظر و حائز اهمیت بوده، این است که هرکدام از شخصیت‌های زن و مرد در داستان پادشاهی گشتاسب، بیشتر از کدام کنش گفتاری و برای چه هدفی استفاده می‌کنند.

جایگاه اجتماعی زنان و مردان شاخص و مطرح در داستان پادشاهی گشتاسب، اغلب به یک صورت و در جایگاه شاهزاده و پهلوان و شاه هستند. در گفتگوی شخصیت‌های شاخص زنان و مردان شاهنامه، نکته حائز اهمیت این است که گفتگوها و انگیزش‌های کلامی بر مبنای هدف و باتوجه به بافت موقعیتی و شرایط حاکم بر موضوع در پنج طبقه‌بندی جان سرل، جای گرفته است. در داستان پادشاهی گشتاسب، اهمیت و آگاهی از نژاد و ریشه در گفتگوها نمایان است. به‌عنوان مثال در مراسم خواستگاری کتایون، قیصر با توجه به اعتقادات و احترام به آیین رسوم آن دوره، علیرغم میل باطنی با ازدواج کتایون و گشتاسب موافقت نموده، همچنین کتایون با توجه به اینکه دختر پادشاست، به ثروت پدر بی‌اعتنا و با گشتاسب همراه می‌گردد و در گفتگوهای وی با همسر و پسرش اسفندیار، نشان زن آگاه و مقتدر کاملاً، نمایان است. زنان در داستان گشتاسب به دلیل نداشتن

قدرت، بیشتر از کنشهای گفتاری ترغیبی استفاده میکنند و کنشهای اظهاری و عاطفی به کار برده شده نیز بیشتر در راستای ترغیب مخاطب هستند تا بدین وسیله به گونه غیرمستقیم، دیگران (بوژه مردان و شوهران) را برای رسیدن به خواستههای خود ترغیب و تشویق کنند. همچنین، از کنشهای اعلامی و تعهدی که نیاز به کنشگری مستقیم فرد دارد، کمتر استفاده شده است. جان سرل در نظریه خود، گفتارها را در پنج کنش، طبقه‌بندی می‌کند: کنش اظهاری، کنش ترغیبی، کنش عاطفی، کنش تعهدی، کنش اعلامی. با در نظر گرفتن ساختار حماسی شاهنامه و نقش‌های شخصیت‌های زن و مرد که جدا از بُعد حماسی آن نیست، می‌توان گفتگو میان زنان و مردان را در این کتاب بر اساس نظریه کنش گفتار «جان سرل» با کنشهای پنج‌گانه، سنجید و کاربردهای زبانی آن‌ها را در زمان‌های مختلف بررسی کرد؛ و به این پرسش پاسخ داد و مشخص کرد که با توجه به این نظریه، شاهنامه در گفتگوها از کدام کنش‌های گفتاری و به چه صورتی استفاده کرده است؟

۱-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

شاهنامه همانند سایر متون حماسی دیگر، دارای ویژگیهای خاص و منحصر به فردی است که در میان متون جدید دیده نمی‌شود. تحلیل اهداف گفتاری در داستان‌های شاهنامه، می‌تواند بسیاری از ناگفته‌های این کتاب را از نظر شناخت رفتارهای شخصیت‌ها بر اساس اوضاع و احوال زمان، روشن کند. با توجه به اینکه نظریه کنش گفتار، از نظریات جدید است و تاکنون چنین پژوهشی در مورد گفتار زن و مرد در شاهنامه انجام نگرفته، از نظر نوآوری، لازم و ضروری به نظر می‌رسد که با بیان این گفتارها در شاهنامه به نقش زنان در کنار مردان توجه شده است و لازم به ذکر است در پیش‌برد داستان‌ها چون مردان نقش به‌سزایی داشتند.

۱-۲- پیشینه تحقیق

پژوهش‌های که بر مبنای نظریه کنش گفتار جان سرل در آثار ادبی صورت گرفته به شرح زیر است:

-ژاله بختیاری، پارسا یعقوبی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی کنش‌های گفتاری مولوی در دفتر اول و دوم مثنوی معنوی»، به موضوع بررسی کنش‌های گفتاری مولوی در مثنوی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که با توجه به جنبه معرفتی مثنوی و نیز جنبه ارتباطی آن، این متن مشحون از کنش‌های گفتاری است که شناسایی و تجلیل آن‌ها منجر به درک تازه‌ای از مثنوی گردیده است.

-ژاله کریمی کیوی و اشرف شیبانی اقدم (۱۳۹۲) در کتاب «ارسال‌المثل و کارکرد کنش‌های گفتاری در غزلیات صائب تبریزی» به موضوع کنش‌های گفتاری در غزلیات صائب پرداخته و، ارسال‌المثل را در حوزه کاربردی زبان‌شناسی، تحلیل کرده و باتوجه به مسائل اخلاقی و اجتماعی و طبق طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری و جنبه‌های کاربردی آن به بررسی غزلیات صائب، پرداخته است.

-مریم جلالی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی سطوح گفتار زنان در گرشاسپ نامه برمعنای تئوری سرل»، به بررسی سطوح گفتار زنان در گرشاسپ نامه پرداخته است. نویسنده گفتارهایی را که زنان در آن مشارکت داشته‌اند بر مبنای دسته‌بندی کنش گفتار جان سرل استخراج و بررسی کرده و سپس به گفتگوها بر اساس سطوح اجتماعی گویندگان در سه طبقه برتر، برابر و زیردست پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اغلب گفتارهای زنان در گرشاسپ‌نامه میان سطوح برابر اجتماعی شکل گرفته است. به علاوه در میان آن‌ها، کنش «اعلامی» وجود ندارد. عدم وجود چنین کنشی در میان گفتار زنان نشان می‌دهد که آنان نقش اجتماعی قابل ملاحظه در جامعه نداشته‌اند.

-لیلا عبدالمهدی و اشرف شیبانی اقدم (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به «بررسی کنش‌های کلامی و رخداد‌های روایی در اسرارالتوحید بر اساس طبقه‌بندی کنش گفتار» پرداخته و حاصل این پژوهش بیانگر این مطلب است که شخصیت ابوسعید به لحاظ برخورداری از جایگاه و منزلت اجتماعی عرفانی و اجتماعی منجر به شکل‌گیری کنش‌های گفتاری اظهاری، توصیفی، ترغیبی، اعلامی، عاطفی، تعهدی در رخدادها شده است.

آنچه موجب تمایز تحقیق حاضر با پژوهش‌های یادشده میشود؛ این است که تاکنون هیچ پژوهشی مستقل در رابطه با تحلیل گفتار شخصیت‌های زن و مرد در داستان

پادشاهی گشتاسپ بر اساس نظریه گفتار جان سرل، صورت نگرفته است؛ بنابراین تحقیق حاضر در این زمینه برای اولین بار صورت میگیرد و نوآورانه است.

۲- مبانی تحقیق

اولین کسی که نظریه کنش گفتار را مطرح کرد «جان آستین» بود. بر اساس این نظریه، جملات خبری تنها جملات اصلی و معنی‌دار زبان نیست و ارزش صدق و کذب همه جملات ممکن نیست؛ زیرا هدف گویند از بیان جملات کنشی، توصیف عمل خود است نه توصیف یک وضعیت. در نظریه آستین سه نوع کنش وجود دارد، کنش بیانی، کنش تأثیری و کنش منظوری. بعدها شاگرد وی، جان سرل، این نظریه را بسط داد و در مواردی آرای استاد خود را نقد نمود. او ضمن مقاله‌ای که در این باره نوشت، تصریح کرد: «برخی از کنش‌های گفتاری هستند که کنش منظوری‌شان به‌طور غیرمستقیم و به واسطه کنش منظوری دیگری انجام می‌شود» (چمین، ۱۳۸۲: ۲۱۷) این پژوهش بر اساس نظریه کنش گفتار جان سرل انجام می‌گیرد و کلیه داده‌ها بر اساس طبقه‌بندی پنجگانه وی بررسی می‌شوند. جان سرل در نظریه خود، گفتارها را در پنج کنش طبقه‌بندی میکند:

۲-۱- کنش اظهاری

در این کنش گویند عقیده و باور خود را درباره درستی قضیه‌ای بیان می‌دارد و وقایع و پدیده‌های جهان بیرون را توصیف می‌کند. «نمونه بارز این دسته از کار گفت‌ها را می‌توان در پاره‌گفتارهایی مشاهده کرد که بر نکته‌ای تأکید می‌کنند یا به نتیجه‌گیری از نکته‌ای می‌پردازند» (چمین: ۱۷۷).

۲-۲- کنش اعلامی

هدف این کنش، اعلام شرایط تازه‌ای برای مخاطب است؛ یعنی «هم‌زمان با بیان آن شرایط، انطباقی بین زبان و جهان خارج روی می‌دهد. البته صرف بیان شرایط تازه به‌منزله انجام یک کنش اعلامی نیست؛ بلکه شرایطی برای تحقق آن لازم است. از جمله اینکه

گوینده صلاحیت بیان شرایط جدید را داشته باشد» (پهلوان نژاد و رجب‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۱) افعال این کنش عبارتند از محکوم کردن، اعلام کردن، منصوب کردن.

۲-۳- کنش ترغیبی

در این نوع کنش، گوینده در جهت ترغیب و واداشتن شنونده به انجام کاری تلاش می‌کند و شامل افعالی چون درخواست کردن، خواهش کردن، توصیه کردن است.

۲-۴- کنش تعهدی

این نوع کنش‌ها، کنش‌های منظوری هستند که گویند در آن‌ها خود را متعهد می‌سازد تا عملی را در آینده انجام دهد. در این نوع کنش، بیشتر از افعالی از نوع قول دادن، سوگند خوردن، تعهد دادن استفاده می‌شود.

۲-۵- کنش عاطفی

در این نوع کنش، گویند حالت روانی خود را گزارش می‌کند و تلاش می‌کند تا جهان بیرون را با کلماتی که بیان میکند، مطابقت دهد نه کلمات بیان‌شده را با جهان بیرون. افعالی مانند، سپاسگزاری کردن، عذر خواستن، هجو کردن. تعریف کردن و اظهار تأسف از این نوعند.

۳- بحث و بررسی

۳-۱- جان. آر. سرل

جان راجرز سرل اهل آمریکا در سال ۱۹۳۲ در شهر دنور دید به جهان گشود. سرل با اینکه پدرش مهندس و مادرش پزشک بود، علاقه‌ای به پزشکی و مهندسی نداشت. خواندن کتاب تاریخ فلسفه، در ایجاد علاقه او به فلسفه مؤثر بود. وی در هجده سالگی، در سال ۱۹۵۱ با استفاده از بورس تحصیلی رودز به انگلیس رفت و در دانشگاه آکسفورد به تحصیل فلسفه، اشتغال ورزید. در سال ۱۹۵۹ از رساله دکترای خود با عنوان معنا و حکایت، زیر نظر دو تن از فیلسوفان بزرگ آکسفورد یعنی، استراسون و آستین دفاع کرد و در همان سال به آمریکا بازگشت و در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی به تدریس پرداخت (سال، ۱۳۸۵: ۱۳۸۵).

۶۹). او با آثاری چون اعمال زبانی، رساله فلسفه زبان که در سال ۱۹۶۹ منتشر کرد، نیروی کرداری زبان و هم چنین فلسفه ارتباطات کلامی را مورد تجزیه و تحلیل قرارداد و مباحث مهمی را در این زمینه مطرح کرد. طبق نظر سرل، در تمامی گزاره ها، نوعی توان و نیروی کنشی نهفته است که به آن نیروی کرداری می‌گوییم؛ به عبارت دیگر، این نیرو از بیرون وارد گزاره نمی‌شود، بلکه این ترکیب و ساختار گزاره است که نوعی توان و قدرت به آن می‌بخشد تا بتواند به عمل تبدیل شود. در همین مرحله است که گزاره غالباً آنچه را در آن نیست، بیان می‌کند، یعنی هنگامی که گزاره به واسطه ساختار خود جنبه کنشی به خود می‌گیرد، چیزی را بیان می‌کند که به صراحت در گزاره وجود ندارد، بلکه آن چیز به صورت غیر مستقیم و غیر صریح از آن استخراج می‌شود (شکرالهی تجرق، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

۳-۲- نظریه کنش گفتارجان. آر. سرل

شاید مهم‌ترین پرسش فلسفی در خصوص پدیده سخن گفتن این باشد که چگونه انسان می‌تواند با برآوردن مشتکی اصوات از دهان یا نگارش علائمی روی کاغذ پدیده‌های معناشناختی فوق العاده پیچیدای مانند امر، نهی، اخطار، توصیف، سخن معنادار و بی‌معنا ایجاد کند؟ «تمام پدیده‌های معناشناختی، افعالی‌اند که در حین سخن گفتن، انجام می‌دهیم. توضیح این پدیده‌ها و افعال که با سخن گفتن انجام می‌شوند، توضیح این پدیده‌های معناشناختی افعالی‌اند که در حین سخن گفتن انجام می‌دهیم» (سال، ۱۳۸۵: ۴۵)، توضیح این پدیده‌ها و افعالی که با سخن گفتن انجام می‌شوند، از نظر فیزیکی چندان پیچید نیست. پیچیدگی این پدیده‌ها از لحاظ معناشناختی است. از نظر سرل تنها با توجه به این نکته که سخن گفتن و ارتباط زبان، مقوله فعل قصدی و قاعده‌منداست می‌توان پدیده‌های یادشده را تبیین کرد.

۳-۳- پادشاهی لهراسپ

گشتاسپ، فرزند کی لهراسب است که به سبب توجه بیش از حد پدرش به نوادگان کیکاووس از پدر ناراضی است:

دو شاه سرافراز و دو نیک پی نبیره جهاندار کاووس کی
بدیشان بدی جان لهراسپ شاد وز ایشان نکردی ز گشتاسپ یاد
که گشتاسپ را سر پر از باد بود وزان کار لهراسپ ناشاد بود
(ش، ۶: ۲۶-۲۸)

گشتاسپ خواهان تاج و تخت پادشاهی بود ولی چون پدرش این خواسته او را نپذیرفت به سوی روم رهسپار شد. در روم ابتدا برای دبیری نزد اسقف رفت، اما اسقف و دبیران با دیدن بر و یال پهلوانی او فهمیدند که دبیر پیشه نیست. سپس برای کار، نزد آهنگری بوراب نام رفت. گشتاسپ در آهنگری نیز موفق نبود چرا که با ضربهای سنگین، سندان را شکست و بوراب از پذیرفتن او خودداری کرد. گشتاسپ پس از آن با دهقانی آشنا شد و نزد او ماند. در آن روزگار، رسم قیصر روم چنان بود که چون دخترش به سن ازدواج می‌رسید، کسانی که شایستگی همسری دختر قیصر را داشتند، فرا خوانده می‌شدند تا او از میان آنان، شوهر آینده خود را برگزیند. دختر بزرگ قیصر، کتایون نام داشت. کتایون شبی در خواب دید که مردان شهر جمع شدند و در آن میان، مردی غریب، دسته گلی به او داد و دسته گلی از او گرفت. در همین روزها، قیصر بزرگان را دعوت کرد. گشتاسپ هم به همراه مرد دهقان به تماشای مراسم رفت. وقتی چشم کتایون به گشتاسپ افتاد، همان را یافت که در خواب دیده بود؛ پس او را برگزید:
چو از دور گشتاسپ را دید گفت که آن خواب سر برکشید از نهفت
(ش، ۶: ۳۹)

قیصر با این انتخاب دخترش مخالفت کرد؛ ولی چون این فرمان با رسم آزادی دختران در انتخاب همسر مغایرت داشت، اسقف، شاه را هشدار داد که فرمانش نادرست است. بنابراین قیصر به ناچار با این پیوند موافقت کرد.

۴-۳ گفتگوی کتایون و گشتاسپ در مراسم خواستگاری

قیصر با حالت خشمگین و ناراحت در قالب کنش ترغیبی با به‌کارگیری فعل امر به کتایون گفت به همراه گشتاسپ برو و سپس او را تهدید نمود که از گنج و سرمایه، چیزی به تو نمی‌دهم.

چو بشنید قیصر بر آن برنهاد که دخت گرامی به گشتاسپ داد
 بدو گفت با او برو همچنین نیابی ز من گنج و تاج و نگین
 (ش، ۱: ۲۷۵-۲۷۶)

وقتی گشتاسپ، برخورد قیصر روم را دید، متعجب شد و در قالب کنش عاطفی نام پروردگار را بر لب آورد و به او پناه برد و در قالب کنش ترغیبی از کتایون پرسید؟ تو دختر پادشاه هستی و در نعمت و آسایش بزرگ شده‌ای، چرا مرا به همسری انتخاب کردی؟ و در پی آن با بیان این واقعیت که اگر تو با من ازدواج کنی و غریبه‌ای را به عنوان همسر برگزینی، در رنج و سختی خواهی بود. در قالب کنش اظهاری با به‌کارگیری افعال اخباری و در ژرف‌ساخت کلام در قالب کنش ترغیبی به صورت غیر مستقیم از او تقاضا میکند که از ازدواج با من صرف‌نظر بکن و در ادامه با به‌کارگیری فعل امر در قالب کنش ترغیبی از او تقاضا مینماید از این سرفرازان و نامداران، همسری انتخاب کن تا نزد پدر آبرومند و سرفراز باشی.

چو گشتاسپ آن دید خیره بماند جهان‌آفرین را فراوان بخواند
 چنین گفت با دختر سرفراز که ای پروریده بنام و بناز
 ز چندین سر و افسر نامدار چرا کرد رایت مرا خواستار
 غریبی همی برگزینی که گنج نیابی و با او بمانی به رنج
 ازین سرفرازان همالی بجوی که باشد به نزد پدرت آبروی
 (ش، ۱: ۲۷۷-۲۸۱)

کتایون با حالت ناراحت و تند در قالب کنش ترغیبی با به‌کارگیری فعل نهی در پاسخ گشتاسپ با استفاده از جایگزین بدگمان گفت با آیین و تقدیر ستیز مکن و مخالفت نما و در قالب کنش اظهاری با تأکید بر این موضوع و بیان این مطلب که وقتی من باتو خوشبخت هستم، تو چرا دنبال تاج و تخت هستی؟ به صورت غیر مستقیم به او می‌گوید در پی تاج و تخت نباش.

کتایون بدو گفت کای بدگمان مشو تیز با گردش آسمان
چو من با تو خرسند باشم به بخت تو افسر چرا جویی و تاج و تخت
برفتند ز ایوان قیصر به درد کتایون و گشتاسپ با باد سرد
(ش، ۱: ۲۸۲-۲۸۴)

۳-۴-۱- گفتگوی کتایون و گشتاسپ در خصوص هدایای میرین

میرین خواستگار دختر دوم قیصر روم است که قیصر برای اینکه او را به دامادی بپذیرد شرط کرد که باید به جنگ با گرگ رود. میرین که وصف دلآوری گشتاسپ را شنیده بود در این امر از او یاری خواست، گشتاسپ نیز پذیرفت و پس از غلبه و پیروزی بر گرگ، میرین هدایایی جهت تشکر به گشتاسپ داد و هنگامی که به خانه بازگشت کتایون به استقبال او آمد.

بسی هدیه آورد میرین برش بر آن‌سان که بد مرد را در خورش
بجز دیگر اسپه نپذیرفت زوی وزانجا سوی خانه بنهاد روی
چو آمد ز دریا به آرام خویش کتایون بینادش رفت پیش
(ش، ۱: ۴۳۴-۴۳۶)

کتایون در قالب کنش ترغیبی با به کارگیری افعال پرسشی از گشتاسپ پرسید این هدایا را از کجا آورده‌ای که به شکار رفتی.

بدو گفت جوشن کجا یافتی کز ایدر به نخچیر بشتافتی
(ش، ۱: ۴۳۷)

گشتاسپ در قالب کنش اظهاری با به کارگیری افعال اخباری در پاسخ به او گفت «این جوشن و شمشیر را مردی از سرزمین خودم به من هدیه داده است:

چنین داد پاسخ که از شهر من بیامد یکی نامور انجمن
مرا هدیه این جوشن و تیغ و خود بدادند و چندی ز خویشان درود
(ش، ۱: ۴۳۷)

در این ابیات با بیان این مطلب که گشتاسپ در خواب رزم گرگ را دید و ناگهان با حالت وحشتناک از خواب برخاست و در پی آن همسرش کتایون در قالب کنش ترغیبی از او پرسید، چه چیزی شده که با ترس از جا برخاستی؟

کتایون می، آورد همچون گلاب همی خورد با شوی، تا گاه خواب
 بختند شادان دو اختر گرای جوانمرد هزمان بجستی ز جای
 بدیدی به خواب اندرون رزم گرگ به کردار نر ازدهای سترگ
 کتایون بدو گفت امشب چه بود که هزمان بترسی چنین نابسود
 (ش، ۱: ۴۴۰-۴۴۳)

گشتاسپ در پاسخ سؤال کتایون در قالب کنش اظهاری با به کارگیری افعال اخباری به بیان واقعیت خواب خویش به صدق گزاره پرداخت. با بیان مطلب کتایون به این موضوع که او شاهزاده است پی برد. در ادامه، گشتاسپ با استفاده از جایگزین کای ماه روی و سهی قد و سیمین بر و مشک بوی با به کارگیری افعال در وجه امری به او پیشنهاد داد بیا به ایران رویم تا شاه و آن مرزوبوم را ببینی.

چنین داد پاسخ که من تخت خویش بدیدم به خواب اختر و بخت خویش
 کتایون بدانست کو را نژاد ز شاهی بود یکدل و یکنهاد
 بزرگ است و با او نگوید همی ز قیصر بلندی نجوید همی
 بدو گفت گشتاسپ کای ماهروی سمن خدّ و سیمین بر و مشکبوی
 بیارای تا ما به ایران شویم از ایدر به جای دلبران شویم
 ببینی بر و بوم فرخنده را همان شاه با داد و بخشنده را
 (ش، ۱: ۴۴۴-۴۴۹)

کتایون با حالت تحکم در قالب کنش ترغیبی گشتاسپ را از این سفر منصرف نمود و به او گفت: در رفتن شتاب نکن و اگر هم میخواهی از اینجا بروی در قالب کنش ترغیبی به او دستور داد هیشوی را نیز با خود همراه کن تا شاید بتواند با کشتی تو راهی نماید و در

پایان با حالتی غمگین و افسرده در قالب کنش عاطفی با به کارگیری افعال اخباری با این مطلب که من نیز اینجا با رنج دراز منتظرت خواهم ماند.

کتایون بدو گفت، خیره مگوی به تیزی چنین راه رفتن مجوی
 چو ز ایدر به رفتن نهی روی را هم‌آواز کن پیش هیشوی را
 مگر بگذراند به کشتی تو را جهان تازه شد چون گذشتی تو را
 من ایدر بمانم به رنج دراز ندانم که کی بینمت نیز باز
 (ش، ۱: ۴۵۰-۴۵۳)

۳-۴-۲- گفتگوی کتایون با گشتاسپ و پیشنهاد کتایون به همسرش جهت دیدار قیصر روم در این ابیات کتایون با به کارگیری افعال پرسشی در قالب کنش ترغیبی با استفاده از جایگزین ای غمگین، ای در غم نشسته، خطاب به گشتاسپ پرسید، چرا نگران هستی؟ و در ادامه در قالب کنش اظهاری به بیان واقعیت دلاوری‌های دو سرور از بزرگان روم که داماد پدرش هستند به صدق گزاره پرداخته و با بیان این مطلب که یکی از آنان گرگ را و دیگری اژدها را کشت، در قالب کنش ترغیبی از گشتاسپ تقاضا نمود به نزد قیصر برود و هنرهای خود را نمایان سازد؛ شاید غصه و رنج او کمتر گردد.

چنین تا برآمد برین روزگار بیامد کتایون آموزگار
 به گشتاسپ گفت، ای نشسته دژم چه داری ز اندیشه دل را به غم
 به روم از بزرگان دو مهتر بدند که با تاج و با گنج و افسر بدند
 یکی آنکِ نر اژدها را بکشت فراوان بلا دید و ننمود پشت
 دگر آنکِ بر گرگ بدرید پوست همه روم یکسر پرآواز اوست
 (ش، ۱: ۶۱۶-۶۲۴)

گشتاسپ با به کارگیری جایگزین خوب‌چهر به صورت غیر مستقیم با استفاده از افعال به صورت استفهام انکاری در روساخت در قالب کنش ترغیبی و در ژرف‌ساخت در قالب کنش اظهاری در پاسخ کتایون بیان نمود که قیصر چه زمانی با من خوب رفتار نموده است؟ او مرا

با تو از شهر بیرون نمود و اگر مرا ببیند رفتار شایسته نخواهد داشت. سپس در قالب کنش اظهاری در تائید کلام او گفت اگر تو این چنین می‌خواهی من نیز قبول خواهم کرد.

۳-۴-۳- پادشاهی گشتاسپ

در داستان اسفندیار، ارجاسپ شاه توران دو خواهر او همای و به‌آفرید را به رویین دژ به اسیری میبرد و گشتاسپ فرزند پهلوان خود را برای رهایی خواهران به رویین دژ می‌فرستد. اسفندیار برای رسیدن به دژ از هفت‌خان خویش می‌گذرد. اسفندیار در دژ به داد و ستد و فروشندگی مشغول میگردد تا راه چاره‌ای بیندیشد که خواهران به نزد او می‌روند، هنگامی اسفندیار آن دو را دید از ترس اینکه رازش پیش از اجرا شدن فاش شود، روی از آنان مخفی کرد. هم چنین برای رهایی خواهران اسفندیار گفتگوی با مادر خویش کتایون دارد که در خلال داستان، ملاحظه خواهیم نمود و از پیشنهاد پدر و دستور او نزد مادر خویش شکایت نمود. هم چنین در پایان داستان شکایت خواهران نزد گشتاسپ و نارضایتی از اوضاع و شرایط اسفندیار را نیز در این دور از پادشاهی خواهیم خواند.

۳-۴-۴- گفتگوی خواهران اسفندیار همای و به‌آفرید با اسفندیار در کاخ ارجاسپ شاه دو خواهر سبوی در دست با حالتی گریان و ناراحت به نزدیک اسفندیار رفتند خواهر بزرگ‌تر او در قالب کنش ترغیبی پرسید از کدام کاروان آمده‌ای؟ و با به کارگیری افعال اخباری در قالب کنش عاطفی او را ستایش نمود. سپس با استفاده از کنش ترغیبی از او پرسید آیا از ایران و گشتاسپ و اسفندیار آگاهی داری؟ و در ادامه در قالب کنش اظهاری با به کارگیری افعال اخباری با بیان این واقعیت که ما در بند ارجاسپ گرفتار هستیم، شرایط غم‌انگیز و اوضاع نامساعدشان را به صدق گزاره بیان می‌کنند. در بیت ۵۴۷ و ۵۴۸ خواهران اسفندیار در قالب کنش ترغیبی از برادر تقضای یاری و مساعد دارند و با به کارگیری فعل شرط در قالب کنش ترغیبی با به کارگیری فعل امر از اسفندیار درخواست کردند اگر از شهر ما آگاهی داری بگو.

دو خواهرش رفتند ز ایوان به کوی
 به نزدیک اسفندیار آمدند
 چو اسفندیار آن شگفتی بدید
 برفتند هر دو به نزدیک اوی
 به خواهش گرفتند بیچارگان
 ز ایران و گشتاسپ و اسفندیار
 بدین‌سان دو دخت یکی پادشا
 بگرییم چندی به خونین سرشک
 گر آگاهیست هست از شهر ما
 غریوان و بر گفته بر سبوی
 دو دیده تر و خاکسار آمدند
 دو رخ کرد از خواهران ناپدید
 ز خون برنهاده به رخ بر دو جوی
 بران نامور مرد بازارگان
 چه آگاهی است ای گو نامدار
 اسیریم در دست ناپارسا
 تو باشی بدین درد ما را پزشک
 برین بوم تریاک شد زهر ما
 (ش، ۱: ۵۳۴-۵۴۸)

اسفندیار با حالتی خشمگین در قالب کنش اظهاری با به کارگیری افعال اخباری پاسخ داد من نه گشتاسپ می‌شناسم و نه آن شاه بیدادگر، شایسته پادشاهی است. سپس با به کارگیری افعال پرسشی در قالب کنش ترغیبی و در ژرف‌ساخت کلام در قالب کنش اظهاری، خطاب به آنان گفت: مگر نمی‌بینید من فروشنده‌ام و برای امرار معاش اینجا هستم.

یکی بانگ برزد به زیر گلیم
 که اسفندیار از بنه خود مباد
 ز گشتاسپ آن مرد بیدادگر
 چو آواز بشنید فرخ همای
 چو خواهر بدانست آواز اوی
 چنان داغ دل پیش او در بماند
 که لرزان شدند آن دو دختر ز بیم
 نه آن کس به گیتی کزو کرد یاد
 مبیناد چون او کلاه و کمر
 بدانست و آمد دلش باز جای
 بپوشید بر خویشتن راز اوی
 سرشک از دو دیده به رخ برفشاند
 (ش، ۱: ۵۴۹-۵۵۶)

هنگامی که اسفندیار فهمید، همای او را شناخت، در قالب کنش ترغیبی از خواهرانش تقاضا نمود این راز را مدتی باید حفظ نمایید و در قالب کنش اظهاری با ابراز تأسف و ناراحتی با بیان این جمله که من با سختی و رنج برای جنگ به اینجا نیامدم.

بدانست جنگاور پاک رای که او را همی بازداند همای
 سبک روی بگشاد و دیده پرآب پر از خون دل و چهره چون آفتاب
 بدیشان چنین گفت کاین روز چند بدارید هر دو لبان را به بند
 من ایدر نه از بهر جنگ آمدم به رنج از پی نام و ننگ آمدم
 کسی را که دختر بود آبکش پسر در غم و باب در خواب خوش
 پدر آسمان باد و مادر زمین نخوانم برین روزگار آفرین
 (ش، ۱: ۵۵۷-۵۶۳)

در ادامه، اسفندیار به درگاه ارجاسپ رفت و آماده رزم گشت و هنگامی که در عرصه جنگ به تنگ آمد به خواهران در قالب کنش ترغیبی دستور داد به سرعت از اینجا دور شوید و به سوی بازار من بروید. سیم و زر بسیار آنجاست و در اینجا نمانید. چه من به پیروزی برسم چه کشته شوم.

به درگاه ارجاسپ آمد دلیر زره دار و غران به کردار شیر
 چو زخم خروش آمد از در سرای دوان پیش آزادگان شد همای
 ابا خواهر خویش به آفرید به خون مژه کرده رخ ناپدید
 چو آمد به تنگ اندر اسفندیار دو پوشیده را دید چون نوبهار
 چنین گفت با خواهران شیرمرد کز ایدر بپوید برسان گرد
 بدانجا که بازارگاه من است بسی زرو سیم است و گاه من است
 مباشید با من بدین رزمگاه اگر سر دهم گر ستانم کلاه
 (ش، ۱: ۶۳۹-۶۴۵)

گفتگوی کتایون و اسفندیار در خصوص شکایت اسفندیار از پدرش اسفندیار فرزند گشتاسپ و کتایون دختر قیصر روم است. این ابیات گفتگوی اسفندیار با مادرش کتایون در خصوص گله گذاری و شکایت اسفندیار از پدر که در قالب کنش اظهاری واقعیت ماجرا برای مادر شرح می دهد.

که چون مست بازآمد اسفندیار دژم گشته از خانه شهریار
کتایون قیصر که بد مادرش گرفته شب و روز اندر برش
چو از خواب بیدار شد تیره شب یکی جام می‌خواست و بگشاد لب
(ش، ۲: ۱۸-۲۰)

این ابیات بیان کننده گله و شکایت اسفندیار از پدرش گشتاسب است. اسفندیار با حالتی ناراحت و خشمگین نزد مادرش کتایون آمد و با به کارگیری افعال در وجه اخباری در قالب کنش اظهاری، نارضایتی خویش را از رفتار پدر به صدق گزار بیان داشت و دستورات و وعده‌های گشتاسب را در خصوص پادشاهی و فرمان کین خواهی لهراسب از ارجاسپ شاه را برای کتایون بازگو نمود. سپس در ادامه در قالب کنش تعهدی به مادر قول داد من نیز نزد پدرمی روم و به فرمان او عمل خواهم کرد و تو را شهربانوی ایران خواهم نمود.

چنین گفت با مادر اسفندیار که با من همی بد کند شهریار
مرا گفت چون کین لهراسب شاه بخواهی به مردی ز ارجاسپ شاه
همان خواهران را بیاری ز بند کنی نام ما را به گیتی بلند
همه پادشاهی و لشکر تو راست همان گنج با تخت و افسر تو راست
بگویم پدر را سخن‌ها که گفت ندارد ز من راستی‌ها نهفت
وگر هیچ تاب اندر آرد به چهر به یزدان که بر پای دارد سپهر
تو را بانوی شهر ایران کنم به زور و به دل جنگ شیران کنم
(ش، ۲: ۲۱-۳۰)

مادر پس از بیان اظهارات اسفندیار غمگین و با استفاده از شاخصهای رنج‌دیده، پسر در قالب کنش اظهاری با به کارگیری افعال اخباری با بیان این واقعیت، تو از شاهان چیزی کم نداری، تو دارای گنج و سپاه و لشکر هستی در قالب کنش ترغیبی او را نصیحت نمود که زیاد خواهی مکن. در ادامه در قالب کنش اظهاری با تأکید براین موضوع که بعد پدر، پادشاهی و تاج و تخت از آن توست. سعی در ترغیب اسفندیار از انصراف از جنگ دارد.

غمی شد ز گفتار او مادرش همه پرنیان خار شد بر برش
 بدانست کان تاج و تخت و کلاه نبخشد ورا نامبردار شاه
 بدو گفت کای رنج دیده پسر ز گیتی چه جوید دل تاجور
 مگر گنج و فرمان و رای و سپاه تو داری برین بر فزونی خواه
 یکی تاج دارد پدر بر پسر تو داری دگر لشکر و بوم و بر
 چو او بگذرد تاج و تختش تو راست بزرگی و شاهی و بختش تو راست
 (ش، ۲: ۳۱-۳۷)

در این گفتار، نوعی کنش اظهاری در کلام مشهود است؛ زیرا اسفندیار با یقین به باور خویش مبنی بر این موضوع که مشورت کردن با زنان اشتباه است و آنان رازدار و اهل مشورت نیستند، سخن خویش را به پایان برد.

چنین گفت با مادر اسفندیار که نیکو زد این داستان هوشیار
 که پیش زنان راز هرگز مگوی چو گویی سخن بازیابی به کوی
 مکن هیچ کاری به فرمان زن که هرگز نبینی زنی رای زن
 (ش، ۲: ۳۸-۴۰)

۳-۴-۵- گفتگوی کتایون و اسفندیار و بازداشتن وی از رفتن به میدان رزم در این گفتگو کتایون آغاز کننده کلام است که با حالتی غمگین و چشمانی اشکبار نزد اسفندیار آمد و با استفاده از شاخص یادگار پهلوانان در قالب کنش اظهاری خطاب به فرزندش فرمود از بهمن شنیدم تصمیم داری که به جنگ با رستم بروی و در ادامه به توصیف و دلاوری‌های رستم در قالب کنش اظهاری با به کارگیری افعال اخباری پرداخت و در ژرف‌ساخت کلام سعی دارد او را از رفتن به جنگ با رستم منصرف سازد و در قالب کنش ترغیبی به نصیحت فرزند خویش می‌پردازد که پسرم در پی به دست آوردن تاج و تخت خود را به کشتن مده و با بیان این مطلب که پدر پیر و ناتوان است و تو توانا هستی و چشم امید سپاه به توست با حالت التماس از او درخواست دارد که مرا بیچاره مکن و با استفاده از شاخص مادر سعی دارد دل اسفندیار را به رحم آورد که نصیحت مادر را بپذیرد.

کتایون چو بشنید شد پر ز خشم
چنین گفت با فرخ اسفندیار
ز بهمن شنیدم که از گلستان
ببندی همی رستم زال را
ز گیتی همی پند مادر نیوش
مده از پی تاج سر را به باد
پدر پیر سر گشت و برنا توی
سپه یکسره بر تو دارند چشم
جز از سیستان در جهان جای هست
مرا خاکسار دو گیتی مکن
به پیش پسر شد پر از آب چشم
که ای از کیان جهان یادگار
همی رفت خواهی به زابلستان
خداوند شمشیر و گوپال را
به بد تیز مشتاب و چندین مکوش
که با تاج شاهی ز مادر نژاد
به زور و به مردی توانا توی
میفکن تن اندر بلایی به خشم
دلیری مکن تیز منمای دست
ازین مهربان مام بشنو سخن
(ش، ۵: ۱۷۹-۱۸۶)

از بیت ۱۷۹ تا ۱۸۶ گفتگوی اسفندیار با مادرش کتایون مطرح است. در این ابیات با توجه به موضوع دلاوریهای رستم و تأیید اسفندیار بر کلام مادر کنش اظهاری مشهود است و درجایی که سخن از دستگیری رستم به میان می‌آید نوعی کنش تعهدی در کلام مشهود است. (متعهد به شاه و خود).

چنین پاسخ آوردش اسفندیار
همان است رستم که دانی همی
نکوکارتر زو به ایران کسی
چو او را به بستن نباشد روا
ولیکن نباید شکستن دلم
چگونه کشم سر ز فرمان شاه
مرا گر به زاول سرآید زمان
چو رستم بیاید به فرمان من
که ای مهربان این سخن یاددار
هنرهاش چون زند خوانی همی
نیایی و گر چند پویی بسی
چنین بد نه خوب آید از پادشا
که چون بشکنی دل ز جان بگسلم
چگونه گذارم چنین دستگاه
بدان سو کشد اخترم بی‌گمان
ز من نشنود سرد هرگز سخن
(ش، ۲: ۱۷۹-۱۸۶)

از بیت ۱۸۷ تا ۱۹۲ گفتگوی کتایون با اسفندیار است. در این ابیات نیز مجدداً تأکید کتایون با استفاده از شاخص زند پیل جوان بر دلاوری رستم مشهود است. در این ابیات نیز شاهد کنش اظهاری با به کارگیری افعال اخباری هستیم و در قالب کنش ترغیبی از فرزند خویش درخواست نمود جانت در جنگ با رستم (پیل ژیان. استعار از رستم) از دست مده و با پای خود به استقبال مرگ مرو. تو توانایی مقابله با او را نداری و در قالب کنش ترغیبی او را از بردن کویکان برحذر میدارد.

بیارید خون از مژه مادرش	همه پاک بر کند موی از سرش
بدو گفت کای زنده پیل ژیان	همی خوار گیری ز نیرو روان
نباشی بسنده تو با پیلتن	از ایدر مرو بی یکی انجمن
مبر پیش پیل ژیان هوش خویش	نهاده بدین گونه بر دوش خویش
اگر زین نشان رای تو رفتن است	همه کام بدگوهر آهرمن است
به دوزخ مبر کودکان را به پای	که دانا بخواند تو را پاک رای

(ش، ۲: ۱۸۷-۱۹۲)

از بیت ۱۹۳ تا ۱۹۶ نیز شاهد گفتگوی اسفندیار با کتایون بوده و در این ابیات در قالب کنش اظهاری با بیان این مطلب که نبرد کودکان شایسته نیست و باور و اعتقاد براین موضوع که اگر خانواده من همراه من نباشد، روان و خاطر من نگران میگردد. مادر خویش را قانع نمود که من به همراه زن و فرزند به رزم خواهم رفت.

به مادر چنین گفت پس جنگجوی	که نا بردن کودکان نیست روی
چو با زن پس پرده باشد جوان	بماند منش پست و تیره روان
به هر رزمگه باید او را نگاه	گذارد بهر زخم گوپال شاه
مرا لشکری خود نیاید به کار	جز از خویش و پیوند و چندی سوار

(ش، ۲: ۱۹۳-۱۹۶)

۳-۴-۶- گفتگوی خواهران اسفندیار با گشتاسب

پس از کشته شدن اسفندیار خواهرانش همای و به‌آفرید با روی خراشید و نالان به نزد پدر رفتند و پدر را به دلیل این کار ناپسند مورد مؤاخذ و سرزنش قرار دادند.

چو پردخته گشت از بزرگان سرای
برفتند به آفرید و همای
به پیش پدر بر بخستند روی
ز درد برادر بکنند موی
(ش، ۵: ۱۵۸۲-۱۵۸۳)

خواهران اسفندیار با حالت تأسف از غم از دست دادن برادر به نزد پدر رفتند و در ساخت کلام در قالب کنش ترغیبی از پدرشان پرسیدند آیا از مرگ اسفندیار ناراحت و نگران نیستی؟ سپس در قالب کنش اظهاری با بیان فداکاریهای اسفندیار که به کین زیر رفت و از ترکان انتقام گرفت و در ژرف‌ساخت کلام در قالب کنش عاطفی با به‌کارگیری افعال اخباری به سرزنش پدر پرداختند. و با اظهار این مطلب که با اسارت اسفندیار روزگار و آینده سپاه تو تیره‌وتار گشت.

به گشتاسب گفتند کای نامدار
نیندیشی از کار اسفندیار
کجا شد نخستین به کین زیر
همی گور بستد ز چنگال شیر
ز ترکان همی کین او بازخواست
بدو شد همی پادشاهیت راست
به گفتار بد، گوش کردی به بند
به غلُ گران و به گرز و کمند
چو او بسته آمد نیا کشته شد
سپه را همه روز برگشته شد
(ش، ۵: ۱۵۸۴-۱۵۸۸)

در ادامه خواهران اسفندیار در قالب کنش اظهاری با بیان ظلم و ستم ارجاسپ و فداکاریهای اسفندیار خطاب به گشتاسب که اسفندیار را تو به زاول در پی تاج و تخت فرستادی وجهانی را غمگین نمودی و با این بیان مطلب که تو قاتل او هستی نه رستم نه زال، در ژرف‌ساخت کلام در قالب کنش عاطفی پدرشان را مورد سرزنش قرار دادند. سپس در قالب کنش ترغیبی با توهین و سرزنش که تو او را کشتی پس بیهوده ناله و شیون مکن

و با بیان این جمله که از ریش سپیدت شرم کن به صورت مستقیم پدر را سرزنش و نکوهش نمودند.

چو ارجاسپ آمد ز خلخ به بلخ
 همه زندگانی شد از رنج تلخ
 چو ما را که پوشیده داریم روی
 برهنه بیاورد ز ایوان به کوی
 چو نوش‌آذر زردهشتی بکشت
 گرفت آن زمان پادشاهی به مشت
 تو دانی که فرزند مردی چه کرد
 برآورد ازیشان دم و دود و گرد
 ز رویین دژ آورد ما را برت
 نگهبان کشور بد و افسرت
 از ایدر به زابل فرستادیش
 بسی پند و اندرزها دادیش
 تو را شرم بادا ز ریش سپید
 که فرزند کشتی ز بهر امید
 جهاندار پیش از تو بسیار بود
 که بر تخت شاهی سزاوار بود
 به کشتن ندادند فرزند را
 نه از دوده خویش و پیوند را
 (ش، ۵: ۱۵۸۹-۱۵۹۹)

در پایان با گفتگوی پشتون با مادر و دل‌داری او و با کنش عاطفی، داستان غم‌انگیز اسفندیار به پایان رسید.

با مقایسه گفتار شخصیت‌های زن و مرد در داستان پادشاهی گشتاسپ، مشخص گردید که در گفتار، مردان از موضع قدرت، کنش، گفتار تعهدی، کاربرد بیشتری در مقایسه با گفتار زنان دارد و کلامشان از جنبه احساسی و عاطفی کمتری برخوردار است و در نهایت، کلام را به اختصار شرح و بسط می‌دهند، در مقایسه، زنان از کنش گفتار اظهاری در بیان اخبار و وقایع بیشتر استفاده مینمایند، همچنین مردان از کنش‌های ترغیبی در وجه امری بیشتری استفاده و در مقایسه زنان، کنش ترغیبی آنان بیشتر جنبه پرسشی و یا کنش‌های دستوری و امری را در قالب روستاکنش اظهاری و به صورت غیر مستقیم، بیان و به کار برده‌اند و به کارگیری کنش تعهدی در کلام مردان در مقایسه با زنان، بسامد بیشتری دارد. به‌عنوان نمونه اسفندیار با پهلوانی خویش حکومت ارجاسپ شاه را از وی میگیرد و خواهران خویش را نجات میدهد.

۴- نتیجه‌گیری

با توجه به این موضوع که زندگی اجتماعی انسان صحنه تجلی انواع ارتباط و تعاملات اجتماعی میان افراد است و ارتباط با افراد با عقاید گوناگون می‌تواند به صورت ارتباط کلامی یا غیرکلامی باشد و افراد برای برقراری ارتباط مؤثر و انتقال روشن پیام خود به دیگران از حیطة مذکور استفاده می‌کنند تا شنونده بهتر بتواند پیام‌ها را به‌طور دقیق دریافت و درک نماید. این پژوهش در نظر دارد مشخص کرد، با بررسی جایگاه اجتماعی و گفتگوی زنان و مردان در داستان پادشاهی گشتاسب بر اساس نظریه گفتار جان سرل از چه کنش‌های کلامی بهره‌جسته‌اند و برای انتقال پیام از چه کنش‌های کلامی برمبنای طبقه‌بندی کنش گفتار جان سرل، (اظهاری و ترغیبی، تعهدی، عاطفی، اعلامی) استفاده و بهره‌جسته‌اند.

جایگاه اجتماعی زنان و مردان شاخص و مطرح در داستان پادشاهی گشتاسب، اغلب به یک صورت و در جایگاه شاهزاده و پهلوان و شاه هستند. در گفتگوی شخصیت‌های شاخص زنان و مردان شاهنامه، نکته حائز اهمیت این است که گفتگوها و انگیزش‌های کلامی برمبنای هدف و باتوجه به بافت موقعیتی و شرایط حاکم بر موضوع در پنج طبقه‌بندی جان سرل جای گرفته است. در داستان پادشاهی گشتاسب، اهمیت و آگاهی از نژاد و ریشه در گفتگوها نمایان است. به‌عنوان مثال در مراسم خواستگاری کتایون، قیصر با توجه به اعتقادات و احترام به آیین رسوم آن دوره، علیرغم میل باطنی با ازدواج کتایون و گشتاسب موافقت نموده، همچنین کتایون با توجه به اینکه دختر پادشاست به ثروت پدر بی‌اعتنا و با گشتاسب همراه می‌گردد و در گفتگوهای وی با همسرش و پسرش اسفندیار، نشان زن آگاه و مقتدر کاملاً، نمایان است.

زنان و مردان در شاهنامه در هر جایگاه اجتماعی و خانوادگی که قرار گیرند، مسائل اخلاقی، تربیتی، دینی، برای آنان حائز اهمیت است و گفتارها و مکالمات و کنش‌های مربوطه برمبنای ارزشها و اعتقادات و باورهای آنان شکل گرفته است و زن و مرد در شاهنامه با هر نقشی اعم از مادر، همسر و شاهزاده، پهلوان، پدر با توجه به فطرت انسانی و باتوجه به اهداف خویش، ایفای نقش و کنش‌های کلامی را در جای خود استفاده می‌نمایند.

زنان به دلیل حس عاطفی اغلب در قالب کنش‌های ترغیبی در وجه پرسشی درخواست کمک و یاری خویش را بیان و بیشتر به دلیل رعایت ادب و از موضع تقاضا از کنش ترغیبی به صورت غیر مستقیم استفاده نموده‌اند و بیشتر در مقام تقاضا و التماس و اصرار از این کنش استفاده نموده‌اند. در مقایسه با مردان از وجه امری در کلام خویش استفاده نمودند. از جنبه احساسی و عاطفی، گفتگوی کتایون با اسفندیار در جایگاه مادری نگران و دلسوز، مانع رفتن فرزند به میدان جنگ می‌شود.

مردان نیز به دلیل قدرت و شرایط اجتماعی حاکم در جایگاه پهلوان، پادشاه و غیره، با توجه به مسئولیت در امور اجتماعی و خانواده از کنش‌های کلامی به صورت مستقیم در مقایسه با زنان استفاده می‌نمایند و زنان در گفتگوها، کنش‌های عاطفی را اغلب برای بیان مقدمه و زمینه‌چینی درخواست، جهت بیان کنش ترغیبی استفاده نموده‌اند و در مقایسه با مردان از کنش‌های عاطفی بیشتری استفاده نموده‌اند، مانند بیان کنش گفتار عاطفی خواهران اسفندیار جهت بیان درخواست یاری از اسفندیار. بسامد کنش گفتار در زنان به ترتیب کنش اظهاری، ترغیبی به صورت مستقیم در وجه پرسشی، عاطفی، تعهدی است. در مقایسه، مردان برای بیان درخواست و بیان لطف بیشتر از جایگزین و بدون مقدمه، کلام خویش را آغاز نموده‌اند و بسامد کنش گفتار در مردان به ترتیب کنش اظهاری، ترغیبی به صورت مستقیم در وجه امری، تعهدی، عاطفی است.

۵- منابع و مأخذ

کتاب

- ۱- تجرق شکرالهی، اسدالله، (۱۳۸۸)، معنانشناسی از دیدگاه کاترین کربرات- اورکیونی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲- چمین، شیوان، (۱۳۸۴)، از فلسفه به زبان‌شناسی، ترجمه حسین صافی، تهران: گام نو.
- ۳- خالقی مطلق، جلال، (۱۳۸۸)، شاهنامه ابوالقاسم فردوسی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

۴- سرل، جان. ار. (۱۳۸۵)، افعال گفتاری، جستاری در فلسفهٔ زبان، ترجمهٔ محمدعلی عبداللهی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مقالات

- ۱- پهلوان نژاد، محمدرضا، رجب زاد، مهدی، (۱۳۸۹)، تحلیل متن شناسی زیارت‌نامهٔ حضرت امام رضا علیه‌السلام بر پایهٔ نظریهٔ کنش گفتار، نشریهٔ مطالعات اسلامی فلسفه و کلام، سال ۴۲، شماره ۸۵، ۸۵ صص ۳۷-۵۴.
- ۲- جلالی، مریم، (۱۳۹۳)، «سطوح گفتار زنان در گرشاسپ نامه برمعنای تئوری»، پژوهش‌های ادبی و بلاغی، ش ۸، صص ۲۰-۳۱.
- ۳- ژاله بختیاری، پارسا یعقوبی، (۱۳۹۱)، «کنش‌های گفتاری مولوی در دفتر اول و دوم مثنوی معنوی»، دانشکدهٔ علوم انسانی. دانشگاه کردستان.
- ۴- عبداللهی، لیلا و شیبانی اقدم، اشرف، (۱۳۹۲)، «بررسی کنش‌های کلامی و رخدادهای روایی در اسرار توحید»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکدهٔ علوم انسانی تهران مرکز.
- ۵- کریمی کیوی، ژاله و اشرف شیبانی اقدم، (۱۳۹۲)، «ارسال‌المثل و کارکرد کنش‌های گفتاری در غزلیات صائب تبریزی»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکدهٔ علوم انسانی تهران مرکز.